

۲ ساعت دلهره

در میان امواج خروشان رودخانه خجیر

گروه حوادث- زهره صفاری ۹/ دانش آموز پسر که صبح دیروز در میان آب‌های خروشان رودخانه تفریحی خجیر در شرق تهران گرفتار شده بودند به شکل معجزه آسایی از مرگ نجات یافتند.این پسران نوجوان بی توجه به هشدار روزهای قبل مبنی بر اینکه روز یکشنبه آب سد باز خواهد شد، برای جمع آوری زباله و پاکسازی حاشیه رودخانه به این منطقه رفته بودند که گرفتار شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ظهر دیروز خبری تکان دهنده روی خروجی سایت‌های خبری قرار گرفت. «۹ دانش آموز پسر پس از باز شدن آب سد لتیان در رودخانه خجیر مفقود شده‌اند»...

دقایقی بعد تیم‌های اورژانس و آتش‌نشانی برای بررسی ماجرا خود را به پشت سد ماملو منطقه خجیر رساندند. با توجه به گزارش‌های اولیه ۴ دستگاه آمبولانس و مأموران سه ایستگاه آتش‌نشانی با تجهیزات غواصی و قایق‌های بادی برای امداد رسانی به حاشیه رودخانه رفتند. ارتفاع آب به حدی بود که درختان حاشیه رودخانه تا نیمه زیر آب رفته بودند. اما امدادگران بر خلاف گزارش‌های اولیه ۹ پسر نوجوان را که وحشت زده روی تپه‌ای شنی شبیه جزیره در میان آب‌های خروشان رودخانه گرفتار شده بودند سالم پیدا کردند.

در نخستین گام بلافاصله دستور بسته شدن آب سد داده شد، اما همچنان ورود به آب حتی با تجهیزات کامل هم امکان‌پذیر نبود و تنها راه نجات استفاده از بالگرد بود. حدود ساعت یک ظهر، بالگرد سازمان امداد و نجات هلال احمر به محل اعزام شد و در عملیاتی نفسگیر نوجوانان گرفتار بدون هیچ آسیبی سوار بر هلیکوپتر شده و به خشکی انتقال یافتند.

از آنجا که ۹ پسر نوجوان بیش از سه ساعت شرایطی دلهره آور را پشت سر گذاشته بودند تیم‌های اورژانس آنها را معاینه کرده و سلامت‌شان تأیید شد.

■ مجوز برای جمع آوری زباله

حدود ۳۰ پسر نوجوان ۱۵، ۱۶ ساله که

۵ کشته

در تصادف دو خودرو



گروه حوادث/ تصادف ۲ دستگاه سواری پژو در محور طبس - یزد ۵ کشته و ۶ مصدوم برجا گذاشت.سرهنگ علیرضا رضایی- رئیس پلیس راه خراسان جنوبی- به ایرنا گفت: این حادثه ساعت ۵ و ۱۵ دقیقه صبح یکشنبه بر اثر برخورد ۲ دستگاه سواری پژو در کیلومتر ۹۱ محور طبس - یزد رخ داد. ۵ نفر در این حادثه رانندگی کشته و ۶ نفر نیز مجروح شدند. وی با بیان اینکه حادثه دیدگان در خودرو اهل استان فارس و خودر دیگر اهل استان البرز بوده‌اند، بیان کرد: علت حادثه در حال بررسی است.

از اعضای پایگاه بسیج مسجد امام حسن مجتبی(ع) مشیریه بودند پس از نجات روی زیراندازی حصیری نشسته بودند وسعی داشتند با خوش و بیش کردن از اضطرابی که ساعتی قبل پشت سر گذاشته بودند رها شوند. چهره هایشان خیس از عرق و سرخ شده بود. ۹ نفری که در جزیره شنی گیر افتاده و با بالگرد نجات یافته بودند، می‌گفتند: «هیچ اتفاقی نیفتاده. خدارو شکر سالم هستیم. آب کمی بالا آمده بود و ما هم آسیبی ندیدیم.»

یکی از آنها به خبرنگار ما گفت: «ساعت ۸ و نیم صبح برای پاکسازی رودخانه از زباله‌ها به این محل آمدیم. آب تمیز بود و تا زیر زانویمان می‌رسید. هر کس جایی مشغول بازی بود.



پایان فرار مکانیک قاتل

گروه حوادث/ فرار ۴ ماهه شاگرد مکانیکی

بعد از قتل دوست صمیمی‌اش در پارک با دستگیری وی در یکی از شهرهای اطراف تهران پایان یافت.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، مأموران کلانتری ۱۳۱ شهرری ساعت ۲۲،۳۰ ششم اسفند سال گذشته با تماس تلفنی شهروندان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان وقوع یک فقره نزاع منجر به قتل در پارک شهید جهان آرا محله جوانمرد قصاب قرار گرفتند.

پس از حضور مأموران کلانتری در صحنه جنایت و تأیید خبر اولیه، مشخص شد جسد متعلق به جوانی ۲۵ ساله است بنابر این موضوع به اداره دهم (ویژه قتل) پلیس آگاهی اعلام شد.

کارآگاهان در بررسی اولیه هویت مقتول را مورد شناسایی قرار دادند و در ضمن مشخص شد که وی از ناحیه گردن و کمر

مدتی گذشت که ناگهان آب بالا آمد. ۹ نفر از بچه‌ها که به وسط آب رفته بودند گیر افتادند. اما توانستند خودشان را به روی تپه شنی که بالاتر از سطح آب بود برسانند و پناه بگیرند. هیچ راهی برای دسترسی به آنها نبود. با اورژانس و آتش‌نشانی تماس گرفتیم و بعد از حدود ۲ ساعت بالگرد هلال احمر آمد و بچه‌ها نجات پیدا کردند. ما از محیط زیست مجوز داشتیم. حتی قرار بود با نایلون‌هایی که در اختیارمان بود از صحنه جمع‌آوری زباله‌ها فیلم و عکس تهیه کنیم که این اتفاق افتاد.»

یکی دیگر از آنها جلو آمد و ادامه داد: «آب خیلی بالا نبود و ما چهار تا چهار تا وارد آب می‌شدیم اما همه چیز یک‌دفعه اتفاق افتاد و

گرفتار شدیم.» مرتضی گودرزی، مسئول مؤسسه فرهنگی مسجد امام حسن مجتبی(ع) نیز به خبرنگار ما گفت: «از اول تابستان ما هر چند وقت یک بار به این منطقه می‌آیم. اینجا تفرجگاه است و خانواده‌ها هم می‌آیند اما برای اردو بدون مجوز راه نمی‌دهند. حدود ۵ روز قبل نامه‌ای با امضای رئیس اداره پارک‌های ملی خجیر ارسال شد. این شرایط شاید برای بومی‌های امروز طبق برنامه برای پاکسازی منطقه آمذیم. بازرسی ورودی منطقه با دیدن مجوز، ما را به داخل راه داد و حرفی از باز شدن سد و بالا آمدن آب نشد. این شرایط شاید برای بومی‌های منطقه پرخطر نباشد اما بچه‌های ما نشان کم بود و ممکن بود هر اتفاقی برایشان بیفتد. ما هم مثل همیشه به حاشیه رودخانه رقتیم که داخل آب رفته بودند اما باز شدن سد لتیان، بودند که می‌خواهند سد را باز کنند البته بنرو اطلاعیه هم برای باز شدن سد زده بودند اما وقتی کسی مانع ورود ما نشد تصور نمی‌کردیم خطری وجود داشته باشد.»

مدیرکل مدیریت بحران استانداری تهران در این باره گفت: با وجود آنکه از روزهای قبل انجام عملیات رهاسازی آب سد لتیان اعلام شده بود و در حالت آماده باش قرار داشتیم صبح یکشنبه با حضور ۴۰ نفر در قالب اردوی فرهنگی در محدوده مواجه شدیم.

درجانی اظهارداشت: عملیات رهاسازی آب سد از ساعت ۹ تا ۱۰:۱۰ دقیقه صبح انجام شد و در حال بازگشت بودیم که حضور این اردو به ما اطلاع‌رسانی شد.

پایان فرار مکانیک قاتل

کجایی؟ و او گفت: جای همیشگی (پارک) من هم مغازه را بستم و ساعت ۱۰ بود که به پارک رسیدم. کمی صحبت کردیم تا اینکه گفت چرا طلبم را نمی‌دهی و... ناگهان مشاجره‌مان بالا گرفت. رامین با عصبانیت شروع به فحاشی کرد و چاقویی از جیبش در آورد و یک ضربه به دست من زد. من هم با چاقویی که همراه داشتم دو ضربه به او زدم و با خودرو شخصی خودم متواری و در یکی از اسان‌های همجوار تهران مخفی شدم.

سرهنگ علی ولیپور گودرزی - معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ - گفت: کارآگاهان در تحقیقات پلیسی دریافتند قاتل دارای چندین فقره سابقه نزاع و درگیری بوده و روانه زندان شده و نیز در یکی از نزاع‌ها نیز مرتکب قتل شده که در رضایت اولیای دم آزاد شده است. در حال حاضر نیز متهم با دستور قضایی برای انجام

■ سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۷۱۰۷

■ دوشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۸



عکس‌ها: امیر رحیمی/ ایران

■ **حضور تیم‌های امدادی در کمتر از ۵ دقیقه**

سید جلال ملکی، مدیر روابط عمومی آتش‌نشانی تهران نیز به خبرنگار ما گفت: «ساعت ۱۱ و ۵۴ دقیقه گزارش گرفتار شدن نوجوانان در بستر رودخانه بخشی از جنگل خجیر به ما اعلام شد. با توجه به صعب‌العبور بودن مسیر سه ایستگاه با تجهیزات کامل در کمتر از ۵ دقیقه به محل رسیدند. از آنجا که احتمال می‌رفت بچه‌ها از ترس و برای نجات خود را به آب بیندازند، نیروها همزمان با انجام عملیات سعی کردند آنها را آرام کنند. به‌دلیل شدت آب رودخانه حتی امکان یکسل کردن نیز نبود و دست آخر درخواست بالگرد شد و هر ۹ نوجوان در سلامت کامل نجات یافتند.»

محمد دورآبادی، مدیر روابط عمومی اورژانس تهران نیز گفت: «این نوجوانان برای بازی به داخل آب رفته بودند اما باز شدن سد لتیان، این رودخانه که از سد جنوبی تغذیه می‌شد پر آب شده و بچه‌ها محاصره شدند.»

سرهنگ حسونود، فرمانده انتظامی شهرستان پردیس نیز گفت: «ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه با تماس مردم متوجه شدیم تعدادی از دانش‌آموزان که برای کمپینی جهت جمع‌آوری زباله در حوزه محیط زیست اطراف رودخانه رفته بودند روی بلندی جزیره ماندنی گرفتار شدند و با حضور به‌موقع تیم‌های امدادی و بالگرد هلال احمر اتفاق تلخی نیفتاد.»

گفتنی است، تماس خبرنگار ایران با اداره کل محیط زیست استان تهران برای پیگیری بیشتر این خبر و دریافت جزئیات بیشتر بی نتیجه‌ماند.



تحقیقات تکمیلی و کشف زوایای پنهان پرونده، در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارد.

۱۳

اخبار

پدر قبل از مرگ، پسرش را متهم کرد

گروه حوادث/پسر جوانی که به اتهام قتل پدرش بازداشت شده در حالی قرار است پای میز محاکمه برود که مدعی است بی‌گناه است.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، آبان سال گذشته مرگ مشکوک مردی میانسال در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس کشیک قتل اعلام شد. به‌دنبال اعلام این خبر در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد چند روز قبل مرد میانسالی که آثار ضرب و جرح روی بدنش بود به بیمارستان منتقل شده اما وی قبل از مرگ به کادر درمان گفته که پسرش او را مجروح کرده است.با توجه به اظهارات کادر درمان بیمارستان؛ پسر مرد میانسال به دستور بازپرس جنایی بازداشت شد. اما در تحقیقات منکر جنایت شد و گفت: من قتلی مرتکب نشده‌ام پدرم به خاطر وضعیت جسمی‌اش تعادل نداشت و مدام زمین می‌خورد. اینبار نیز همین اتفاق افتاد و بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردم.

درحالی که پسر جوان منکر جنایت بود، تحقیقات نشان می‌داد که او در قتل نقش دارد و از طرفی دختران مقتول نیز با مراجعه به دادسرای امور

جنایی خواهان قصاص برادرشان شدند. درنهایت با تکمیل تحقیقات و باتوجه به اظهارات مقتول قبل از مرگش، درخواست قصاص اولیای دم و مدارک موجود در پرونده آخرین دفاع از متهم جوان گرفته شد و پرونده او برای محاکمه به زودی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال خواهد شد.

کشف جسد پیرزن داخل سطل زباله

گروه حوادث/ مرد دوره گرد که در سطل زباله به دنبال ضایعات بود جسد پیرزنی را داخل یک کارتن پیدا کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۱۷:۲۰ شنبه ۲۲ تیر مرد میانسال‌ی در تماس با مأموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه تهرانپارس از کشف جسدی داخل سطل زباله خبر داد. او گفت: ضایعات جمع کن هستم لحظاتی قبل وقتی برای جمع‌آوری ضایعات به سراغ سطل زباله‌ای در پارک میثاق رفتم با یک کارتن بزرگ داخل سطل مواجه شدم. می‌خواستم کارتن را بیرون بیاورم که متوجه شدم خیلی سنگین است. در کارتن را که باز کردم ناگهان با جسد یک زن مواجه شدم.

با این تماس بود که بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند. با حضور در محل جسد زنی سالخورده که چادر و لباس خانه به تن داشت و گلویش را با چاقو بریده بودند مشاهده شد. متخصصان پزشکی قانونی علت اولیه قتل را بریدگی گلو و زمان تقریبی قتل را دو ساعت قبل از کشف جسد اعلام کردند.

بدین ترتیب به دستور بازپرس جنایی شناسایی هویت مقتول و رمز گشایی از این جنایت در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. این درحالی است که جسد مرد جوانی نیز ۲۹ خرداد امسال در محدوده تهرانپارس داخل کارتن تلویزیون کشف شد. هویت جسد کشف شده همچنان نامشخص است و علت مرگ وی خفگی اعلام شد.

شاهدی برای دفاع از متهم



گروه حوادث/ متهم به قتل برای اینکه خود را تبرئه کند در دومین جلسه محاکمه‌اش یک شاهد به دادگاه معرفی کرد.

به گزارش خبرنگار ما، متهم که پسر جوانی است یک سال قبل دوستش را به قتل رساند و جسدش را به آتش کشید. این جوان بعد از دستگیری اعتراف کرد دوستش را کشته چون به او تعرض و فیلم و عکس تهیه کرده بود. اما در نخستین جلسه دادگاه مدعی شد مقتول به یکی دیگر از دوستانش نیز تعرض کرده بوده و می‌تواند وی را به دادگاه معرفی کند.

براساس محتویات پرونده زن جوانی نهم خرداد سال گذشته مأموران را نا‌پدید شدن ناگهانی پسرش کیوان باخبر کرد و گفت: عصر پسرم با یکی از دوستانش به‌نام آرش از خانه بیرون رفت، اما هر چه منظر ماندیم، بازنگشت. مأموران پلیس در اولین گام از آرش تحقیق کردند. وی در بازجویی‌ها به قتل دوست ۲۴ساله‌اش اعتراف کرد و گفت: کیوان بارها مرا اذیت کرده بود. روز حادثه او را سوار ماشینم کردم و در راه فرودگاه امام، مشاجره‌مان بالا گرفت و او را با ضربات چاقو به قتل رساندم و جسدش را سوزاندم. بعد از کامل شدن تحقیقات متهم با صدور کیفرخواست در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. پس از اینکه اولیای‌دم درخواست قصاص کردند متهم در جایگاه قرار گرفت و با قبول اتهام گفت: در بازجویی‌ها حرفی ن‌زدم، اما حالا می‌خواهم حقیقت را بگویم، من و مقتول از دوران مدرسه با هم آشنا شدیم. او مورد اعتماد مسئولان مدرسه بود به همین خاطر کلید بعضی دفاتر مدرسه را داشت تا اینکه فهمیدم به سوالات امتحانی دسترسی دارد. این شد که سراغش رفتم و باب دوستی ما باز شد. رفاقتمان ادامه داشت و به خانه آنها رفت و آمد داشتم اما یک روز از من سوءاستفاده کرد و آزارم داد. بعد از مدتی فهمیدم برای خواهرم هم ایجاب مزاحمت می‌کند. به همین خاطر او را کشتن و ساعت ۲ نیمه‌شب بود که از ترس جسد را به حاشیه شهر بردم و از باک ماشین کمی بنزین کشیدم. بعد از کندن یک چاله جسد را داخل آن انداختم سپس بنزین را ریختم و کبریت زدم. قصد سرقت نداشتم و فقط برای گمراه کردن پلیس کیف و انگشتر مقتول را برداشتم و فرار کردم.

متهم ادعا کرد یکی دیگر از دوستان مشترکشان هم از سوی مقتول مورد آزار قرار گرفته است. اواز دادگاه‌خواست از این فرد هم تحقیق کنند. به این ترتیب روز گذشته دومین جلسه دادگاه برگزار شد. پسری که متهم مدعی بود از سوی مقتول مورد آزار قرار گرفته است در جایگاه قرار گرفت. او گفته‌های متهم را تأیید کرد و گفت: مقتول به من هم تعرض کرده بود و من و متهم تنها قربانیان اونودیم.

در ادامه قضات از متهم خواستند در جایگاه قرار بگیرد. او گفت: من بار قبل هم اتهامم را قبول کردم و بازهم قبول می‌کنم. من شنبه بدم کسی که به دیگرن تعرض می‌کند حکمش مرگ است به همین دلیل هم چنین کاری کردم. با این حال فکر نمی‌کردم ضربه‌ای می‌زنم باعث مرگ شود. بعد از گفته‌های متهم وکیل مدافع اوقضات برای تصمیم‌گیری در این خصوص وارد شور شدند.

■ **راه حل‌تان چه بود؟**

انتقال کلاهای قاچاق در پوشش بار سیوس و یونجه. برای اینکه پلیس به کامیون‌ها شک نکند برای تمام آنها بارنامه جعلی درست کردیم و در فاصله زمانی معین و از راه‌های مختلف اجناس را به پایتخت انتقال می‌دادیم.

■ **چقدر ران کار سود داشت؟**

هر کامیونی برای ۹۰ میلیون تومان سود داشت.

■ **راندنده‌ها و صاحبان کامیون‌ها از این موضوع با خبر بودند؟**

صاحبان کامیون‌ها معمولاً با افراد پیر هستند یا ثروتمند و در هر دو صورت توجهی به باری که حمل می‌شود ندارند. اما خب راندنده‌ها بالاخره از باری که در کامیون حمل می‌شود با خبر می‌شوند. به همین دلیل علاوه بر کرایه حمل بار به آنها نفری ۵ میلیون تومان می‌دادیم تا با ما همکاری کنند.

■ **فکرش را می‌کردید دستگیر شوید؟**

هرگز. کارمان را خیلی حرفه‌ای انجام می‌دادیم. وقتی بار به تهران رسیدم فکر کردم دیگر مشکلی پیش نمی‌آید ولی در چند کیلومتری انبارها به دام پلیس افتادیم.



یکی از شهرهای جنوبی کشور شدیم. یک شب کنار ساحل با دو پسر جوان آشنا شدیم. آنها به ما پیشنهادی دادند که به نظر راه خوبی برای پولدار شدن بود. گفتند می‌توانند اجناس قاچاق چینی را در اختیار ما قرار دهند و ما آنها را به انباری در تهران منتقل کرده و هر چند وقت یکبار اجناس را دربارا به فروش برسانیم. ابتداء به نظرمان سخت آمد، اینک‌ه‌خواهیم کامیون کامیون لباس و پارچه قاچاق از جنوب کشور به تهران منتقل کنیم اما برای این موضوع راه‌حلی پیدا کردیم.

گفت‌وگو با متهم

میلا، سردسته این باند قاچاق است. او که در یک سفر با همدستانش آشنا شده و نقشه ترانزیت قاچاق کالا را کشیده است از انگیزه خود گفت.

■ **از کی وارد کار قاچاق شدی؟**

دی ماه پارسال بود که این نقشه به ذهنمان خطور کرد.

■ **چه شد که تصمیم به قاچاق کالا گرفتید؟**

پارسل من و دوستم رامین برای سفر تفریح راهی